

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
دانشگاه تهران
و
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۱۳ آبان ۱۳۹۹

گزارش کامل



نشست علمی-کارشناسی

روسیه و آمریکا در آستانه انتخابات ۲۰۲۰

از مداخله‌گرایی تا رقابت راهبردی جهانی

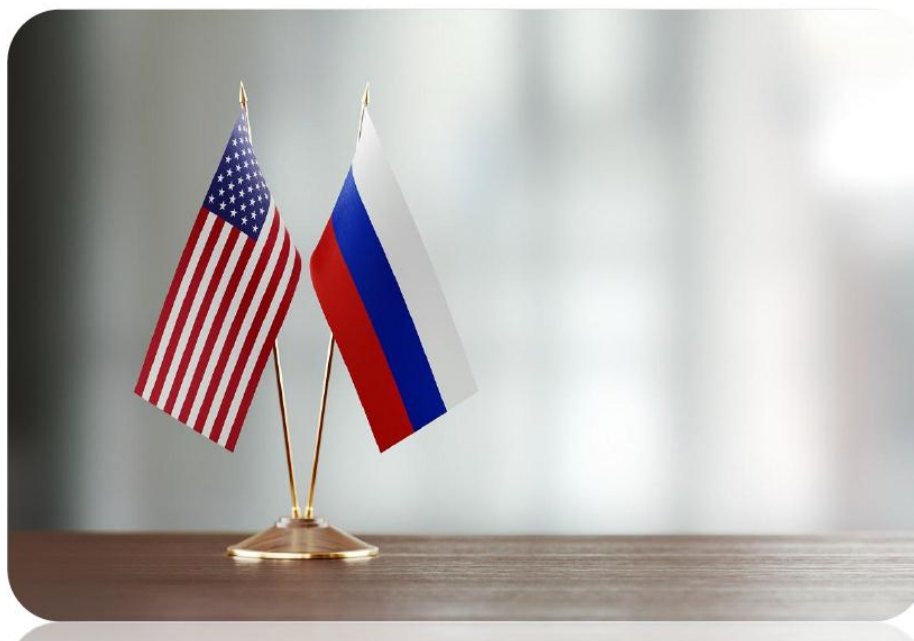
وبینار با حضور



دکتر جهانگیر گرمی

دانشیار روابط بین‌الملل

دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران



گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی "روسیه و آمریکا در آستانه انتخابات ۲۰۲۰: از مداخله‌گرایی تا رقابت راهبردی جهانی" توسط مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی)، در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۹ به صورت وینار برگزار شد. در این نشست آقای دکتر جهانگیر کرمی دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، به طرح نقطه نظرهای خود پرداختند. مدیر این نشست خانم دکتر الهه کولایی بودند.

در نودمین نشست علمی-کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، خانم دکتر الهه کولایی از آقای دکتر کرمی برای حضور در نشست تشکر کردند و با مقدمه‌ای در مورد انتخابات آمریکا و اهمیت آن برای جهانیان و برای ایران گفتند: «در آستانه انتخابات آمریکا هستیم و بسیاری از جهانیان با توجه به سیاست‌های ترامپ توجه دارند که رئیس جمهور آینده آمریکا کیست و آیا شاهد تغییر در سیاست خارجی آمریکا خواهیم بود؟ این پرسش برای کشور ما اهمیت زیادی دارد هرچند ریشه بسیاری از مسایل در داخل کشور است اما عوامل بیرونی همواره بر کشور ایران تأثیرگذار بوده‌است. به نظر برخی، به قدرت رسیدن ترامپ عرصه عمل روسیه را در خاورمیانه گسترده‌تر کرده و پوتین با مخالفت کمتری سیاست‌هایش را در منطقه خاورمیانه پیش برده‌است. بودن یا نبودن ترامپ و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا و بر کشور ما و جهان تأثیر خواهد داشت. روابط روسیه و آمریکا و اسیتار روسیه نسبت به آمریکا در سطح منطقه‌ای و جهانی تغییرهای زیادی تجربه کرده‌است. روابط روسیه و آمریکا برای ایران هم مهم است».

در ادامه خانم دکتر کولایی گفتند: «اشاره‌ای کلی کردم تا آقای دکتر کرمی بحث‌شان را با موضوعی که انتخاب کردند به‌خصوص در منطقه‌ای که ما

زندگی می‌کنیم و در رابطه با ایران مطرح کنند. دکتر کرمی در حوزه روابط بین‌الملل متمرکز بر روسیه کار کرده‌اند و دیدگاهشان می‌تواند برای ما به‌ویژه در رابطه با روسیه راهگشا باشد». سپس از ایشان خواستند که به طرح موضوع نشست بپردازند.

مجلس شورای اسلامی ایران
معاونت ایرانی مطالعات منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی
نشست علمی - کارشناسی
روسیه و آمریکا در آستانه انتخابات ۲۰۲۰
از منظر خلیه گرایی تا رقابت راهبردی جهانی

سخنران
دکتر جهانگیر کرمی
دانشیار پژوهش بین‌الملل
دانشگاه علامه طباطبائی تهران - دانشکده علوم سیاسی

مجلس شورای اسلامی ایران
معاونت ایرانی مطالعات منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی
نشست علمی - کارشناسی
روسیه و آمریکا در آستانه انتخابات ۲۰۲۰
از منظر خلیه گرایی تا رقابت راهبردی جهانی

Attendees (16)
قو قو ح حدکشناد
abed noruz
Abniki Fere
anam
Arash Sade
Elaheh Koc
f rafi

Chat 3

آقای دکتر کرمی در آغاز صحبت‌های خود گفتند: «انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای همه کشورها اهمیت دارد. برای روسیه هم به‌خاطر مسائلی که بین دو کشور وجود دارد مهم است. از جمله تحریم‌های آمریکا علیه روسیه، امنیت روسیه، و نیز آینده این کشور هم مرتبط با مسائل آمریکا است. هدف این نشست این است که ببینیم چه چشم‌اندازی برای روابط دو کشور می‌توان ترسیم کرد؟». ایشان در ادامه مباحث خود را به دو دسته تقسیم کردند: «موضوع اول بحث نظری است. از نظر سنتی روابط بین‌الملل در سیاست بین‌الملل خلاصه می‌شد که به سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تقلیل می‌یافت و کلیت روابط بین‌الملل را شکل می‌داد. اما بعد از جنگ جهانی دوم و بویژه دهه ۷۰ میلادی، ویژگی قدرت محوری زیر سوال رفت و مسائل زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت یافت. در دهه اخیر شاهد بازگشتی در برخی حوزه‌ها به عناصر نظامی و قدرت محور و در پی آن بازگشت

به ملی‌گرایی و درون‌گرایی هستیم. ویروس کرونا هم سبب بازگشت به سیاست داخلی و ملی‌گرایی، تأکید بر محدود سازی مرزها، روابط محدود با کشورها و دولتها شده‌است. در این وضعیت گفته می‌شود کشورهای بسته و غیرمردم‌سالار نسبت به کشورهای مردم‌سالار و باز، عملکرد بهتری داشته‌اند. نتیجه اینکه، به موازات اجتماعی‌تر شدن نظام و سیاست بین‌الملل شاهد بازگشت نوعی درون‌گرایی بوده‌ایم و ترامپ از پیش برندگان این روند و محدودسازی ارتباطات و تجارت خارجی است اما آیا تداوم خواهد یافت؟ نکته این است که ما شاهد بازگشت به درون-گرایی و ملی‌گرایی در سیاست بین‌الملل بوده‌ایم که تداوم آن بستگی به افکار داخلی در درون دولتها دارد».

ایشان در بحث دوم به مهمترین مسائلی که بین آمریکا و روسیه حاکم بوده و هست پرداختند؛ از جمله **مداخله‌گرایی** و آمریکا نسبت به مسائل داخلی روسیه مداخله می‌کند. در سال ۲۰۱۲، با به قدرت رسیدن پوتین، سعی کردند توافقی که او باما و مدودیف کرده بودند را تغییر دهند اما نتیجه‌اش تشدید اوضاع بود و از طرفی، چهار سال بعد روسیه متهم به مداخله در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شد. فشار بر کرملین در موضوع حقوق بشر، رسانه‌های آزاد و قومیت‌های روسیه در تمام این سالها به‌ویژه با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ بوده است. آمریکا در مسائل داخلی روسیه مداخله کرده و روسیه هم واکنش نشان داده‌است و در دوامی روسیه قوانین سنگینی علیه روابط با آمریکا اعمال شده همینطور حملات سایبری و اینترنتی روسیه علیه آمریکا ادامه یافته است.

همینطور باید به مداخله در **مسائل منطقه‌ای** روسیه از جمله اوکراین، آسیای مرکزی و قفقاز که روسها آمریکا را متهم به مداخله در امور داخلی کشورها کرده‌اند، توجه کرد. نگاه روسیه به نظام بین‌الملل همچنان نظام وستفالیایی و تأکید بر دولت_ملت است در مقابل نگاه آمریکا به

نظام بین‌الملل پساوستفالیایی است که برای دولت-ملت و الزام‌های آن اهمیتی قائل نیست. اما هر دو طرف در این مورد استاندارد دوگانه دارند و در مورد خودشان چنین چیزی را بر نمی‌تابند. برای مثال، روسیه در حوزه مسائل اوراسیا مداخله می‌کند و اعتنایی به انتقادات نمی‌کند. بنابراین، شاهد دو ایدئولوژی رقیب نولیبرالی (آمریکا) و عمل‌گرایی (روسیه) هستیم.

منازعه‌های منطقه‌ای دو طرف از حوزه بالتیک تا دریای سیاه و قفقاز و خاورمیانه و شمال آفریقا بر سر حوزه‌های نفوذ است که البته برای روسیه اهمیت بیشتری دارد، زیرا از نظر جغرافیایی و سرزمینی، قومی و مذهبی این مناطق به روسیه نزدیک هستند.

نکته مهم در این منازعه‌ها، ظهور ترکیه است. ترکیه در دوره اردوغان کمتر دچار رکود شده و همین رشد اقتصادی سبب شده ادعای جاه‌طلبانه به همراه داشته باشد. ترکیه امروز به دنبال "حوزه نفوذ و منافع حیاتی" است و به همین دلیل، در حوزه خاورمیانه، آفریقا و اروپا و روسیه حضور دارد. نکته اینجاست که دیر یا زود روسیه و ترکیه با هم برخورد خواهند داشت چون حوزه منازعه گسترده است. حال نقش غرب، ناتو و آمریکا چه خواهد شد؟ این مسأله برای غرب و ایران مهم خواهد بود، چون درگیری در حوزه قفقاز و ایران است. در بحران کریمه در ۱۸۵۷-۱۸۵۴ بین روسیه و عثمانی، وقتی روسها به سمت قلمرو عثمانی در حوزه بالکان راه افتادند. در دوره ضعف عثمانی بود و روسیه امکان داشت عثمانی را شکست دهد اما در آن زمان نیروهای انگلیس و فرانسه در کریمه با روسیه جنگیدند و قرارداد پاریس را بر روسیه تحمیل کردند و قدرت روسیه در دریای بالکان از بین رفت. بنابراین، یکی از موضوع‌های آینده در زیر موضوع‌های ژئوپلیتیکی، روسیه و ترکیه خواهد بود.

نکته دوم که دکتر کرمی مطرح کردند **رقابت نهادی** بین روسیه و آمریکا بود. ایشان گفتند: «سازمان ناتو و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مجموع نوعی وجه نهادی و هنجاری دارد یعنی هنجارها و قواعد منطقه‌ای روسیه با هنجارهای غرب در تعارض شدید است زیرا قواعد نهادی در حوزه های ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد. حوزه بالتیک تا دریای سیاه موضوع مهم در سه چهار قرن گذشته بوده و ادامه پیدا کرده‌است.

نکته بعد موضوع **تحریم‌ها** است. تحریم‌های تحمیل شده به روسیه در تداوم تحریم‌های دوره جنگ سرد است. تحریم‌های دوره جنگ سرد تا سال ۲۰۱۲ ادامه داشت و در این زمان به‌طور رسمی لغو شد و از سال ۲۰۱۴، تحریم‌های جدید بر سر بحران اوکراین دوباره از سر گرفته‌شد.

نکته بعد، **نظام بین‌الملل** است. ایران و چین و روسیه بر چندجانبه‌گرایی تأکید دارند در حالی که غربی‌ها بر هژمونی غرب و هژمونی آمریکا تأکید دارند. روسیه نیز به‌طور طبیعی به‌دنبال حفظ نهادها و ساختارهای جنگ سرد است.

آخرین و مهمترین عامل نیز **مسائل راهبردی جهانی** است. روسیه به‌دنبال حفظ موقعیت‌اش در نظام جهانی است. روسیه دوازدهمین اقتصاد دنیا است و در این زمینه نسبتی با قدرت جهانی ندارد، بلکه بیشتر در حوزه نظامی و تسلیحاتی است که یک قدرت جهانی محسوب می‌شود و در این زمینه به‌دنبال این است که قواعد و هنجارهای مبتنی بر برابری راهبردی روسیه با غرب را حفظ کند. آمریکا در دوره ترامپ از نظام کنترل تسلیحاتی و دیگر پیمانهای مربوط به آن خارج شده و با تجدید پیمان استارت جدید مخالفت کرده‌است. اختلاف آمریکا و روسیه این است که آمریکا می‌گوید که این پیمان باید همه سلاح‌های هسته‌ای روسیه را در بر بگیرد و چین هم به عضویت این پیمان در بیاید اما

روسها زیربار آن نمی‌روند. اگر دو طرف توافق نکنند، ثبات راهبردی جهان از هم می‌پاشد که بر آن پی‌تی تأثیرگذار است زیرا ماده ششم آن پی‌تی، می‌گوید قدرت‌های بزرگ هسته‌ای باید رقابت تسلیحاتی‌شان را محدود کنند».

ایشان در ادامه گفتند: «سیاست مقام‌های روسیه در رابطه با انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، سیاست بی‌تفاوتی و بی‌خبری بوده است. چنان‌که گفته‌اند فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس‌جمهور آمریکا شود. اما آیا واقعا این چنین است؟». ایشان در جواب به این سوال گفتند: «یک‌سری ساختارها در آمریکا ثابت است و با تغییر رئیس‌جمهور، آن ساختارها و اصول همچنان ثابت می‌ماند. از طرفی با تغییر قانون اساسی روسیه، آقای پوتین تا سال ۲۰۳۶ رئیس‌جمهور روسیه خواهد ماند. عامل مهم دیگر، نقش طرف سوم در رابطه روسیه و آمریکا است». ایشان گفتند: «در صورت پیروزی ترامپ، وضع موجود ادامه می‌یابد. روسیه بیشتر به چین نزدیک می‌شود و از طرف دیگر موضع آمریکا ضعیف می‌شود. اما در صورت برد بایدن، شاهد زنده شدن لیبرالیسم و جهانی شدن و به نوعی تداوم سیاست‌های اوباما خواهیم بود. در طرف روسی، کار کردن با بایدن راحت‌تر است و ابتکار عمل با رئیس‌جمهوری که حمایت رسانه‌ای دارد بیشتر است، چیزی که ترامپ از آن بی‌بهره است».

موضوع انتخابات آمریکا برای روسیه، در متن مسائل کلان هر دو طرف است. آمریکا خواهان این است که روسیه در زمینه مسائل داخلی، موضع متفاوتی را دنبال کند و از امتیازهای دوره جنگ سرد دست بردارد اما روسیه موضع استقلال عمل در سیاست خارجی خود را دنبال می‌کند. آمریکا می‌خواهد روسیه در مهار چین همراهی کند اما تحقق این هدف به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. اگر هم راهی باشد روسها از آمریکا امتیاز می‌خواهند. اما به هر حال روسیه در بلندمدت به دلایل سرزمینی و

ارتباطی با چین، درگیر خواهد شد. اما پوتین تا سال ۲۰۳۶ در قدرت باقی خواهد ماند و انتظاراتی آمریکا را محدود می‌کند».

در ادامه آقای دکتر کرمی به انتظاراتی روسیه و آمریکا از یکدیگر پرداختند از جمله لغو فوری تحریم‌ها و حفظ ثبات راهبردی جهانی و کنترل تسلیحاتی. در مورد تحریم‌ها، موضع اتحادیه اروپا مهم است. همچنین ساختارهای پایه در قدرت سیاست آمریکا اهمیت دارد که این کار را دشوار می‌کند. برد احتمالی جو بایدن، امکانات روسیه را در دو زمینه‌ای که مطرح کردیم، بهتر می‌کند و امکان بهبود روابط وجود خواهد داشت اما نه به صورت پایدار و قاطع.

دکتر کولایی به خاطر مباحث مطرح شده از دکتر کرمی تشکر کردند و گفتند: «به نکته خوبی اشاره کردید که سیاست بایدن به‌ویژه در ارتباط با روسیه و جمهوری‌های پیرامون روسیه و در مورد مسائل داخلی و دمکراتیک‌سازی و حقوق بشر، تداوم سیاست او با ما محسوب می‌شود. به نظر به شما این مسئله در دولت پوتین اهمیت خواهد داشت؟». دکتر کرمی در پاسخ گفتند: «ترامپ اهمیتی برای حقوق بشر و مردم‌سالاری قائل نبود. در دوره چهار ساله ترامپ، تحریم‌های گسترده‌تری اعمال شد و به چند دلیل هیچ امکانی برای بهبود روابط وجود نداشت از جمله

اینکه ترامپ و مسائل مشروعیت داخلی او یک مانع مهم است. از سوی دیگر، حل مسئله با امریکا اولویتش نبود. از نگاه روسیه اگرچه روی کارآمدن دمکرات‌ها به معنای طرح مسائل لیبرالی است اما در این وضعیت، بن‌بست دوره ترامپ هم شکسته می‌شود و امکان گفتگو احیا خواهد شد. اما با ماندن ترامپ، وضع موجود تداوم می‌یابد که هر کدام سودها و زیان‌ها برای روسیه دارد.

در پاسخ به پرسش اینکه با توجه به بحران قره‌باغ و کنش‌گری ترکیه، آیا در شرایط کنونی روسیه توان مهار ترکیه را دارد؟ دکتر کرمی گفتند: «در منطقه کریمه، قفقاز، خاورمیانه و مدیترانه، روسیه محدودیت‌هایی دارد. یکی اینکه زیادی درگیری‌ها به سود روسیه نیست پس روسیه به دنبال مدیریت آنها است. دیگر اینکه موضوع ترکیه فقط موضوع روسیه نیست بلکه در اروپا و آمریکا هم مطرح است. روسیه مواظب است در مورد مهار ترکیه ابزار اروپا نباشد و هزینه‌ای برای روسیه نداشته باشد پس سعی دارد با ترکیه توافق کند».

در پایان دکتر کولایی از حضور آقای دکتر کرمی در نشست مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران قدردانی کردند.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

cces@ut.ac.ir

تارنما:

cces.ut.ac.ir

Center for Central Eurasia Studies

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: cces@ut.ac.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704